

قرنتیان

که بی نهایت و فوق از طاقت بار کشیدیم، به حدی که از جان هم مأیوس شدیم. ^۹ اما در خود حکم مرگ داشتیم تا بر خود توکل نکنیم، بلکه بر خدا که مردگان را برمی خیزاند، ^{۱۰} که ما را از چنین مرگ رهانید و می رهاوند و به او امیدواریم که بعد از این هم خواهد رهاوند. ^{۱۱} و شما نیز به دعا در حق ما کمک می کنید تا آنکه برای آن نعمتی که از اشخاص بسیاری به ما رسید، شکرگزاری هم برای ما از بسیاری به جا آورده شود.

تغییر برنامه پولس

^{۱۲} زیرا که فخر ما این است، یعنی شهادت ضمیر ما که به قدوسیت و اخلاص خدایی، نه به حکمت جسمانی، بلکه به فیض الهی در جهان رفتار نمودیم و خصوصاً نسبت به شما. ^{۱۳} زیرا چیزی به شما نمی نویسیم مگر آنچه می خوانید و به آن اعتراف می کنید و امیدوارم که تا به آخر اعتراف هم خواهید کرد. ^{۱۴} چنانکه به ما فی الجمله اعتراف کردید که محل فخر شما هستیم، چنانکه شما نیز ما را می باشید در روز عیسی خداوند.

^{۱۵} و بدین اعتماد قبل از این خواستم به نزد شما آیم تا نعمتی دیگر بیابید، ^{۱۶} و از راه شما

پولس، به اراده خدا رسول عیسی مسیح، و تیموتائوس برادر، به کلیسای خدا که در قرنتس می باشد با همه مقدسینی که در تمام آخائیه هستند، ^۲ فیض و صلح از پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند به شما باد.

خدا جمیع تسلیات

^۳ متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که پدر رحمتها و خدای جمیع تسلیات است، ^۴ که ما را در هر تنگی ما تسلی می دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم، به آن تسلی که خود از خدا یافته ایم. ^۵ زیرا به اندازه ای که دردهای مسیح در ما زیاد شود، به همین قسم تسلی ما نیز به وسیله مسیح می افزاید. ^۶ اما خواه زحمت کشیم، این است برای تسلی و نجات شما، و خواه تسلی پذیریم این هم برای تسلی و نجات شما است که میسر می شود از صبر داشتن در همین دردهایی که ما هم می بینیم. ^۷ و امید ما برای شما استوار می شود زیرا می دانیم که چنانکه شما شریک دردها هستید، همچنین شریک تسلی نیز خواهید بود. ^۸ زیرا ای برادران نمی خواهیم شما بی خبر باشید از تنگی ای که در آسیا به ما عارض گردید

بی‌نهایتی با شما دارم.

عفو خطا کار

۵ و اگر کسی باعث غم شد، مرا محزون نساخت بلکه فی‌الجمله جمیع شما را تا بار زیادۀ نهاده باشم. ۶ کافی است آن‌کس را این سیاستی که از اکثر شما بدو رسیده است. ۷ پس برعکس شما باید او را عفو نموده، تسلی دهید که مباد افزونی غم چنین شخص را فرو برد. ۸ بنابراین، به شما التماس می‌دارم که با او محبت خود را استوار نمایید. ۹ زیرا که برای همین نیز نوشتم تا دلیل شما را بدانم که در همه چیز مطیع می‌باشید. ۱۰ اما هر که را چیزی عفو ننماید، من نیز می‌کنم زیرا که آنچه من عفو کرده‌ام، هرگاه چیزی را عفو کرده باشم، به‌خاطر شما به حضور مسیح کرده‌ام، ۱۱ تا شیطان بر ما برتری نیابد، زیرا که از حیل‌های او بی‌خبر نیستیم.

خصوصیات خادمین عهد جدید

۱۲ اما چون به تروآس برای بشارت مسیح آمدم و دروازه‌ای برای من در خداوند باز شد، ۱۳ در روح خود آرامی نداشتم، از آن رو که برادر خود تبطس را نیافتم، بلکه ایشان را وداع نموده، به مقدونیه آمدم. ۱۴ اما شکر خدا راست که ما را در مسیح، دائماً در دسته پیروزی خود می‌برد و عطر معرفت خود را در هر جا به وسیله ما ظاهر می‌کند. ۱۵ زیرا خدا را عطر خوشبوی مسیح می‌باشیم هم در ناجیان و هم در هالکان. ۱۶ اما اینها را عطر مرگ، الی مرگ و آنها را عطر حیات الی حیات. و برای این امور کیست که کافی

به مقدونیه بروم و باز از مقدونیه نزد شما بیایم و شما مرا به سوی یهودیه مشایعت کنید. ۱۷ پس چون این را خواستم، آیا سهل‌انگاری کردم یا عزیمت من عزیمت بشری باشد تا آنکه به نزد من بلی بلی و نی نی باشد. ۱۸ اما خدا امین است که سخن ما با شما بلی و نی نیست. ۱۹ زیرا که پسر خدا عیسی مسیح که ما، یعنی من و سلوانس و تیموتائوس در میان شما به وی موعظه کردیم، بلی و نی نشد، بلکه در او بلی شده است. ۲۰ زیرا چندان که وعده‌های خدا است، همه در او بلی و از این جهت در او امین است تا خدا از ما تمجید یابد. ۲۱ اما او که ما را با شما در مسیح استوار می‌گرداند و ما را مسح نموده است، خداست. ۲۲ که او نیز ما را مظهر نموده و بیعانه روح را در دل‌های ما عطا کرده است.

۲۳ اما من خدا را بر جان خود شاهد می‌خوانم که برای شفقت بر شما تا بحال به قرئس نیامدم، ۲۴ نه آنکه بر ایمان شما حکم کرده باشم بلکه شادی شما را مددکار هستیم زیرا که به ایمان قایم هستید.

۲ اما در دل خود عزیمت داشتیم که دیگر با حزن به نزد شما نیایم، ۲ زیرا اگر من شما را محزون سازم، کیست که مرا شادی دهد جز او که از من محزون گشت؟ ۳ و همین را نوشتم که مبادا وقتی که بیایم محزون شوم از آنانی که می‌بایست سبب خوشی من بشوند، چونکه بر همه شما اعتماد می‌دارم که شادی من، شادی جمیع شما است. ۴ زیرا که از حزن و دل‌تنگی سخت و با اشک‌های بسیار به شما نوشتم، نه تا محزون شوید بلکه تا بفهمید چه محبت

خواهد بود.

۱۲ پس چون چنین امید داریم، با کمال دلیری سخن می‌گوییم. ۱۳ و نه مانند موسی که نقابی بر چهره خود کشید تا بنی اسرائیل، تمام شدن این فانی را نظر نکنند، ۱۴ بلکه ذهن ایشان سخت شد زیرا که تا امروز همان نقاب در خواندن عهد عتیق باقی است و کشف نشده است، زیرا که فقط در مسیح باطل می‌گردد. ۱۵ بلکه تا امروز وقتی که موسی را می‌خوانند، نقاب بر دل ایشان برقرار می‌ماند. ۱۶ اما هرگاه به سوی خداوند رجوع کنند، نقاب برداشته می‌شود. ۱۷ اما خداوند روح است و جایی که روح خداوند است، آنجا آزادی است. ۱۸ اما همه ما چون با چهره بی نقاب جلال خداوند را در آینه می‌نگریم، از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می‌شویم، چنانکه از خداوند که روح است.

خزینه در ظروف خاکی

۴ بنابراین چون این خدمت را داریم، چنانکه رحمت یافته‌ایم، خسته خاطر نمی‌شویم ۲ بلکه خفایای رسوایی را ترک کرده، به مکر رفتار نمی‌کنیم و کلام خدا را مغشوش نمی‌سازیم، بلکه به اظهار راستی، خود را به ضمیر هرکس در حضور خدا مقبول می‌سازیم. ۳ اما اگر بشارت ما مخفی است، بر هالکان مخفی است، ۴ که در ایشان خدای این جهان فهم‌های بی‌ایمانشان را کور گردانیده است که مبدا تجلی بشارت جلال مسیح که صورت خداست، ایشان را روشن سازد. ۵ زیرا به

باشد؟ ۱۷ زیرا مثل بسیاری نیستیم که کلام خدا را مغشوش سازیم، بلکه از ساده‌دلی و از جانب خدا در حضور خدا در مسیح سخن می‌گوییم.

۳ آیا باز به سفارش خود شروع می‌کنیم؟ و آیا مثل بعضی احتیاج به سفارش نامه‌جات به شما یا از شما داشته باشیم؟ ۲ شما رساله ما هستید، نوشته شده در دهای ما، معروف و خوانده شده جمیع آدمیان. ۳ چونکه ظاهر شده‌اید که رساله مسیح می‌باشید، خدمت کرده شده از ما و نوشته شده نه به مرکب بلکه به روح خدای حی، نه بر الواح سنگ، بلکه بر الواح گوشتی دل. ۴ اما به وسیله مسیح چنین اعتماد به خدا داریم. ۵ نه آنکه کافی باشیم که چیزی را به خود تفکر کنیم که گویا از ما باشد، بلکه کفایت ما از خداست. ۶ که او ما را هم کفایت داد تا عهد جدید را خادم شویم، نه حرف را بلکه روح را زیرا که حرف می‌کشد اما روح زنده می‌کند.

جلال عهد جدید

۷ اما اگر خدمت مرگ که در حرف بود و بر سنگها تراشیده شده با جلال می‌بود، به حدی که بنی اسرائیل نمی‌توانستند صورت موسی را نظاره کنند به سبب جلال چهره او که فانی بود، ۸ چگونه خدمت روح بیشتر با جلال نخواهد بود؟ ۹ زیرا هرگاه خدمت محکومیت با جلال باشد، چند مرتبه زیاده‌تر خدمت عدالت در جلال خواهد افزود. ۱۰ زیرا که آنچه جلال داده شده بود نیز بدین نسبت جلالی نداشت به سبب این جلال عظیم. ۱۱ زیرا اگر آن فانی با جلال بود، به راستی این که ابدی است، در جلال عظیم‌تری

ما که برای لحظه‌ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می‌کند.^{۱۸} در حالی که ما نظر نمی‌کنیم به چیزهای دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است و نادیدنی جاودانی.

خانه آسمانی

زیرا می‌دانیم که هرگاه این خانه زمینی  خیمه ما ریخته شود، عمارتی از خدا داریم، خانه‌ای ناساخته شده به دستها و جاودانی در آسمانها.^۲ زیرا که در این هم آه می‌کشیم، چونکه مشتاق هستیم که خانه خود را که از آسمان است بپوشیم،^۳ اگر واقعا بپوشیم، عریان یافت نخواهیم شد.^۴ از آنرو که ما نیز که در این خیمه هستیم، گرانبار شده، آه می‌کشیم، از آن جهت که نمی‌خواهیم این را بیرون کنیم، بلکه آن را بپوشیم تا فانی در حیات غرق شود.^۵ اما او که ما را برای این درست ساخت خدا است که بیعانه روح را به ما می‌دهد.

^۶ پس دائماً خاطر جمع هستیم و می‌دانیم که مادامی که در بدن متوطنیم، از خداوند غریب می‌باشیم،^۷ [زیرا که به ایمان رفتار می‌کنیم نه به دیدار].^۸ پس خاطر جمع هستیم و این را بیشتر می‌پسندیم که از بدن دوری کنیم و به نزد خداوند ساکن شویم.^۹ بنابراین حریص هستیم بر اینکه خواه متوطن و خواه غریب، پسندیده او باشیم.^{۱۰} زیرا لازم است که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم تا هرکس اعمال بدنی خود را بیابد، به حسب آنچه کرده باشد، چه نیک چه بد.

خویشتن موعظه نمی‌کنیم بلکه به مسیح عیسی خداوند، اما به خویشتن که غلام شما هستیم به خاطر عیسی.^۶ زیرا خدایسی که گفت تا نور از ظلمت درخشید، همان است که در دل‌های ما درخشید تا نور معرفت جلال خدا در چهره عیسی مسیح از ما بدرخشد.

^۷ اما این گنجینه را در ظروف خاکی داریم تا برتری قوت از آن خدا باشد نه از جانب ما.^۸ در هر چیز زحمت کشیده، ولی در شکنجه نیستیم؛ متحیر ولی مأیوس نی؛^۹ تعاقب کرده شده، اما نه متروک؛ افکنده شده، ولی هلاک شده نی؛^{۱۰} پیوسته قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود.^{۱۱} زیرا ما که زنده‌ایم، دائماً به خاطر عیسی به مرگ سپرده می‌شویم تا حیات عیسی نیز در جسد فانی ما پدید آید.^{۱۲} پس مرگ در ما کار می‌کند ولی حیات در شما.

^{۱۳} اما چون همان روح ایمان را داریم، به حسب آنچه مکتوب است «ایمان آوردم پس سخن گفتم»، ما نیز چون ایمان داریم، از اینرو سخن می‌گوییم.^{۱۴} چون می‌دانیم او که عیسی خداوند را برخیزانید، ما را نیز با عیسی خواهد برخیزانید و با شما حاضر خواهد ساخت.^{۱۵} زیرا که همه چیز برای شما است تا آن فیضی که به وسیله بسیاری افزوده شده است، شکرگزاری را برای تمجید خدا بیفزاید.^{۱۶} از این جهت خسته خاطر نمی‌شویم، بلکه هر چند انسانیّت ظاهری ما فانی می‌شود، اما باطن روز به روز تازه می‌گردد.^{۱۷} زیرا که این زحمت سبک

در وی عدالتِ خدا شویم.

پس چون همکاران او هستیم، التماس می‌نماییم که فیض خدا را بی‌فایده نیافته باشید.^۲ زیرا می‌گوید: «در وقتِ مقبول تو را مستجاب فرمودم و در روز نجات تو را کمک کردم.» اینک، اکنون زمان مقبول است؛ اینک، الآن روز نجات است.

زحمات پولس در راه خدا

^۳ در هیچ چیز لغزش نمی‌دهیم که مبادا خدمت ما ملامت کرده شود،^۴ بلکه در هر امری خود را ثابت می‌کنیم که خدام خدا هستیم، در صبر بسیار، در زحمات، در حاجات، در تنگیها،^۵ در تازیانه‌ها، در زندانها، در فتنه‌ها، در محنتها، در بیخوابیها، در گرسنگیها،^۶ در طهارت، در معرفت، در بردباری، در مهربانی، در روح‌القدس، در محبت بی‌ریا،^۷ در کلام حق، در قوت خدا با اسلحه عدالت بر طرف راست و چپ،^۸ به عزت و ذلت، و بدنامی و نیک‌نامی؛ چون گمراه‌کنندگان و اینک، راستگو هستیم؛^۹ چون ناشناس و اینک، معروف؛ چون در حالت مرگ و اینک، زنده هستیم؛ چون تنبیه شده، اما مقتول نی؛^{۱۰} چون محزون، ولی دائماً شادمان؛ چون فقیر و اینک، بسیاری را دولت‌مند می‌سازیم؛ چون بی‌چیز، اما مالک همه چیز.

یوغ ناموافق

^{۱۱} ای قرتیان، دهان ما به سوی شما گشاده و دل ما وسیع شده است.^{۱۲} در ما تنگ نیستید اما در درون خود تنگ هستید.^{۱۳} پس در جزای این،

خدمت مصالحه

^{۱۱} پس چون ترس خدا را دانسته‌ایم، مردم را دعوت می‌کنیم. اما به خدا ظاهر شده‌ایم و امیدوارم به ضمایر شما هم ظاهر خواهیم شد.^{۱۲} زیرا بار دیگر برای خود به شما سفارش نمی‌کنیم، بلکه سبب افتخار درباره خود به شما می‌دهیم تا شما را جوابی باشد برای آنانی که در ظاهر نه در دل فخر می‌کنند.^{۱۳} زیرا اگر بی‌خود هستیم برای خداست و اگر هشیاریم برای شما است.^{۱۴} زیرا محبت مسیح بر ما ساکن است، چونکه این را دریافتیم که یک نفر برای همه مرد پس همه مردند.^{۱۵} و برای همه مرد تا آنانی که زنده‌اند، از این به بعد برای خویشتن زیست نکنند بلکه برای او که برای ایشان مرد و برخاست.^{۱۶} بنابراین، ما بعد از این هیچ کس را به حسب جسم نمی‌شناسیم، بلکه هرگاه مسیح را هم به حسب جسم شناخته بودیم، الآن دیگر او را نمی‌شناسیم.^{۱۷} پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است؛ چیزهای کهنه درگذشت، اینک، همه چیز تازه شده است.^{۱۸} و همه چیز از خدا که ما را به واسطه عیسی مسیح با خود آشتی داده و خدمت آشتی را به ما سپرده است.^{۱۹} یعنی اینکه خدا در مسیح بود و جهان را با خود آشتی می‌داد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت و کلام آشتی را به ما سپرد.^{۲۰} پس برای مسیح سفیر هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ می‌کند. پس به خاطر مسیح استدعا می‌کنیم که با خدا آشتی کنید.^{۲۱} زیرا او را که گناه را شناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما

آرامی نیافت، بلکه در هر چیز زحمت کشیدیم؛ در ظاهر، نزاع‌ها و در باطن، ترسها بود. ۶ اما خدایی که تسلی دهنده افتادگان است، ما را به آمدن تیطس تسلی بخشید. ۷ و نه از آمدن او تنها بلکه به آن تسلی نیز که او در شما یافته بود، چون ما را مطلع ساخت از شوق شما و نوحه‌گری شما و غیرتی که درباره من داشتید، به نوعی که بیشتر شادمان گردیدم. ۸ زیرا که هر چند شما را به آن رساله محزون ساختم، پشیمان نیستم، اگر چه پشیمان هم بودم زیرا یافتم که آن رساله شما را اگر هم به ساعتی، غمگین ساخت. ۹ اینک شادمانم، نه از آنکه غم خوردید بلکه از اینکه غم شما به توبه انجامید، زیرا که غم شما برای خدا بود تا به هیچ وجه زیانی از ما به شما نرسد. ۱۰ زیرا غمی که برای خداست منشأ توبه می‌باشد برای نجات که از آن پشیمانی نیست؛ اما غم دنیوی منشأ مرگ است. ۱۱ زیرا اینک، همین که غم شما برای خدا بود، چگونه کوشش، چه احتجاج، چه خشم، چه ترس، چه اشتیاق، چه غیرت و چه انتقامی را در شما پدید آورد. در هر چیز خود را ثابت کردید که در این امر مبرا هستید.

۱۲ باری هرگاه به شما نوشتم، برای آن ظالم یا مظلوم نبود، بلکه تا غیرت ما درباره شما به شما در حضور خدا ظاهر شود. ۱۳ و از این جهت تسلی یافتیم اما در تسلی خود شادی ما از خوشی تیطس بی‌نهایت زیاده گردید چونکه روح او از جمیع شما آرامی یافته بود. ۱۴ زیرا اگر درباره شما بدو فخر کردم، خجل نشدم بلکه چنانکه همه سخنان را به شما به راستی گفتیم، همچنین

زیرا که به فرزندان خود سخن می‌گویم، شما نیز گشاده شوید. ۱۴ زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت و نور را با ظلمت چه شراکت است؟ ۱۵ و مسیح را با بلع‌ال چه مناسبت و مومن را با کافر چه نصیب است؟ ۱۶ و هیکل خدا را با بتها چه موافقت؟ زیرا شما هیکل خدای حی می‌باشید، چنانکه خدا گفت که، «در ایشان ساکن خواهم بود و در ایشان راه خواهم رفت و خدای ایشان خواهم بود، و ایشان قوم من خواهند بود.» ۱۷ پس خداوند می‌گوید: «از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید و چیز ناپاک را لمس نکنید تا من شما را مقبول بدارم، ۱۸ و شما را پدر خواهم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بود؛ خداوند قادر مطلق می‌گوید.»

پس ای عزیزان، چون این وعده‌ها را داریم، خویشان را از هر نجاست جسم و روح طاهر بسازیم و قدوسیت را در خدا ترسی به کمال رسانیم.


تسلی پولس

۲ ما را در دل‌های خود جا دهید. بر هیچ کس ظلم نکردیم و هیچ کس را فاسد نساختیم و به هیچ کس ضرر نرساندیم. ۳ این را از روی سرزنش نمی‌گویم، زیرا پیش گفتم که در دل ما هستید تا در مرگ و حیات با هم باشیم. ۴ مرا بر شما اعتماد کلی و درباره شما فخر کامل است. از تسلی سیر گشته‌ام و در هر زحمتی که بر ما می‌آید، شادی وافر می‌کنم.

۵ زیرا چون به مقدونیه هم رسیدیم، جسم ما

فخر ما به تیطس راست شد. ۱۵ و خاطر او به سوی شما زیادت‌ر مایل گردید، چونکه اطاعت جمیع شما را به یاد می‌آورد که چگونه به ترس و لرز او را پذیرفتید. ۱۶ شادمانم که در هر چیز بر شما اعتماد دارم.

تشویق به سخاوت

اما ای برادران، شما را مطلع می‌سازیم  از فیض خدا که به کلیساهای مقدونیه عطا شده است. ۲ زیرا در امتحانِ شدیدِ زحمت، فراوانیِ خوشیِ ایشان ظاهر گردید و از زیادتِ فقر ایشان، دولتِ سخاوتِ ایشان افزوده شد. ۳ زیرا که شاهد هستم که به حسب طاعت بلکه فوق از طاعت خویش به رضامندی تمام، ۴ التماس بسیار نموده، این نعمت و شراکت در خدمت مقدسین را از ما طلبیدند. ۵ و نه چنانکه امید داشتیم، بلکه اول خویشان را به خداوند و به ما برحسب ارادهٔ خدا دادند.

۶ و از این سبب از تیطس استدعا نمودیم که همچنان که شروع این نعمت را در میان شما کرد، آن را به انجام هم برساند. ۷ بلکه چنانکه در هر چیز افزونی دارید، در ایمان و کلام و معرفت و کمال اجتهاد و محبتی که با ما می‌دارید، در این نعمت نیز بیفزایید. ۸ این را به طریق حکم نمی‌گوییم بلکه به سبب اجتهاد دیگران و تا اخلاص محبت شما را بیازمایم. ۹ زیرا که فیض خداوند ما عیسی مسیح را می‌دانید که هر چند دولت‌مند بود، برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولت‌مند شوید. ۱۰ و در این، رأی می‌دهم زیرا که این شما را شایسته است، چونکه شما در سال

گذشته، نه در عمل فقط بلکه در اراده نیز اول از همه شروع کردید. ۱۱ اما اکنون عمل را به انجام رسانید تا چنانکه دلگرمی در اراده بود، انجام عمل نیز برحسب آنچه دارید بشود. ۱۲ زیرا هرگاه دلگرمی باشد، مقبول می‌افتد، به حسب آنچه کسی دارد نه به حسب آنچه ندارد. ۱۳ و نه اینکه دیگران را راحت و شما را زحمت باشد، بلکه به طریق مساوات؛ تا در حال، زیادتِ شما برای کمی ایشان بکار آید؛ ۱۴ و تا زیادتِ ایشان برای کمی شما باشد و مساوات بشود. ۱۵ چنانکه مکتوب است: «آنکه بسیار جمع کرد، زیادتِ نداشت و آنکه اندکی جمع کرد، کمی نداشت.»

۱۶ اما شکر خدا راست که این اجتهاد را برای شما در دل تیطس نهاد. ۱۷ زیرا او خواهش ما را اجابت نمود، بلکه بیشتر با اجتهاد بوده، به رضامندی تمام به سوی شما روانه شد. ۱۸ و با وی آن برادری را فرستادیم که مدح او در انجیل در تمامی کلیساهاست. ۱۹ و نه همین فقط بلکه کلیساهای نیز او را اختیار کردند تا در این نعمتی که خدمت آن را برای تمجید خداوند و دلگرمی شما می‌کنیم، همسفر ما بشود. ۲۰ چونکه اجتناب می‌کنیم که مبادا کسی ما را ملامت کند دربارهٔ این سخاوتی که خادمان آن هستیم. ۲۱ زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می‌بینیم. ۲۲ و با ایشان برادر خود را نیز فرستادیم که مکرراً در امور بسیار او را با اجتهاد یافتیم و اکنون به سبب اعتماد کلی که بر شما می‌دارد، بیشتر با اجتهاد است. ۲۳ هرگاه دربارهٔ تیطس [بپرسند]، او در خدمت شما رفیق و همکار من است؛ و

عدالتش تا به ابد باقی می ماند.»^{۱۰} اما او که برای برزگر بذر و برای خورنده نان را آماده می کند، بذر شما را آماده کرده، خواهد افزود و ثمرات عدالت شما را مزید خواهد کرد،^{۱۱} تا آنکه در هر چیز دولت مند شده، کمال سخاوت را بنماید که آن منشأ شکر خدا به وسیله ما می باشد.^{۱۲} زیرا که به جا آوردن این خدمت، نه فقط حاجات مقدّسین را رفع می کند، بلکه سپاس خدا را نیز بسیار می افزایشد.^{۱۳} و از دلیل این خدمت، خدا را تمجید می کنند به سبب اطاعت شما در اعتراف انجیل مسیح و سخاوت بخشش شما برای ایشان و همگان.^{۱۴} و ایشان به سبب افزونی فیض خدایی که بر شماست، در دعای خود مشتاق شما می باشند.^{۱۵} خدا را برای عطای وصف ناشدنی او شکر باد.

دفاع پولس از خدمات خویش

۱۰ اما من خود، پولس، که چون در میان شما حاضر بودم، فروتن بودم، اما وقتی که غایب هستم، با شما جسارت می کنم، از شما به بردباری و رأفت مسیح استدعا دارم^۲ و التماس می کنم که چون حاضر شوم، جسارت نکنم بدان اعتمادی که گمان می برم که جرأت خواهم کرد با آنانی که می پندارند که ما به طریق جسم رفتار می کنیم.^۳ زیرا هر چند در جسم رفتار می کنیم، ولی به قانون جسمی جنگ نمی نماییم.^۴ زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی نیست بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعه ها،^۵ که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می افرازد، به زیر می افکنیم و هر فکری را به

اگر درباره برادران ما، ایشان رسولان کلیساها و جلال مسیح می باشند.^{۲۴} پس دلیل محبت خود و فخر ما را درباره شما در حضور کلیساها به ایشان ظاهر نمایید.

آماده کردن هدایا

۹ زیرا که در خصوص این خدمت مقدّسین، زیادتی می باشد که به شما بنویسم.^۲ چونکه دلگرمی شما را می دانم که درباره آن برای شما به اهل مقدونیه فخر می کنم که از سال گذشته اهل آخائیه مستعد شده اند و غیرت شما اکثر ایشان را برانگیخته است.^۳ اما برادران را فرستادم که مبدا فخر ما درباره شما در این خصوص باطل شود تا چنانکه گفته ام، مستعد شوید.^۴ مبدا اگر اهل مکادوتیه با من آیند و شما را نامستعد یابند، نمی گویم شما بلکه ما از این اعتمادی که به آن فخر کردیم، خجل شویم.^۵ پس لازم دانستم که برادران را نصیحت کنم تا قبل از ما نزد شما آیند و برکت موعود شما را مهیا سازند تا حاضر باشد، از راه برکت نه از راه طمع.

۶ اما خلاصه این است: هر که با بخیلی کارد، با بخیلی هم درو کند و هر که با برکت کارد، با برکت نیز درو کند.^۷ اما هر کس بطوری که در دل خود اراده نموده است بکند، نه به غم و ناچاری، زیرا خدا بخشنده خوش را دوست می دارد.^۸ ولی خدا قادر است که هر نعمتی را برای شما بیفزاید تا همیشه در هر امری کفایت کامل داشته، برای هر عمل نیکو افزوده شوید.^۹ چنانکه مکتوب است که «پاشید و به فقرا داد و

مکانهای دورتر از شما هم بشارت دهیم و در امور مهیا شده به قانونِ دیگران فخر نکنیم. ^{۱۷} اما هرکه فخر نماید، به خداوند فخر بنماید. ^{۱۸} زیرا نه آنکه خود را مدح کند مقبول افتد بلکه آن را که خداوند مدح نماید.

دفاع پولس در مقابل رسولان دروغین

کاش که مرا در اندک جهالتی متحمل شوید و متحمل من هم می‌باشید. **۱۱** زیرا که من بر شما غیور هستم به غیرت الهی؛ زیرا که شما را به یک شوهر نامزد ساختم تا باکره‌ای پاکدامن به مسیح سپارم. ^۳ اما می‌ترسم که چنانکه مار به مکر خود حوا را فریفت، همچنین خاطر شما هم از سادگی‌ای که در مسیح است، فاسد گردد. ^۴ زیرا هرگاه آنکه آمد، وعظ می‌کرد به عیسای دیگر، غیر از آنکه ما بدو موعظه کردیم، یا شما روحی دیگر را جز آنکه یافته بودید، یا انجیلی دیگر را سواى آنچه قبول کرده بودید می‌پذیرفتید، نیکو می‌کردید که متحمل می‌شدید.

^۵ زیرا مرا یقین است که از بزرگترین رسولان هرگز کمتر نیستم. ^۶ اما هرچند در سخنوری نا آزموده، اما در معرفت اینگونه نیستم. بلکه در هر امری نزد همه کس به شما آشکار گردیدیم. ^۷ آیا گناه کردم که خود را ذلیل ساختم تا شما سرفراز شوید در اینکه به انجیل خدا شما را مفت بشارت دادم؟ ^۸ کلیساهای دیگر را غارت نموده، اجرت گرفتم تا شما را خدمت نمایم و چون به نزد شما حاضر بوده، محتاج شدم، بر هیچ کس

اطاعت مسیح اسیر می‌سازیم، ^۶ و مستعد هستیم که از هر معصیت انتقام جوییم وقتی که اطاعت شما کامل شود.

^۷ آیا به صورت ظاهری نظر می‌کنید؟ اگر کسی بر خود اعتماد دارد که از آن مسیح است، این را نیز از خود بداند که چنانکه او از آن مسیح است، ما نیز همچنان از آن مسیح هستیم. ^۸ زیرا هرچند زیاده هم فخر بکنم دربارهٔ اقتدار خود که خداوند آن را برای بنا نه برای خرابی شما به ما داده است، خجل نخواهم شد، ^۹ که مبدا معلوم شود که شما را به رساله‌ها می‌ترسانم. ^{۱۰} زیرا می‌گویند: «رساله‌های او گران و زورآور است، اما حضور جسمی او ضعیف و سخنش حقیر.» ^{۱۱} چنین شخص بداند که چنانکه در کلام به رساله‌ها در غیاب هستیم، همچنین نیز در فعل در حضور خواهیم بود.

^{۱۲} زیرا جرأت نداریم که خود را از کسانی که خویشتن را مدح می‌کنند بشماریم، یا خود را با ایشان مقابله نماییم؛ بلکه ایشان چون خود را با خود می‌پیمایند و خود را به خود مقابله می‌نمایند، دانا نیستند. ^{۱۳} اما ما زیاده از اندازه فخر نمی‌کنیم، بلکه به حسب اندازه آن قانونی که خدا برای ما پیمود، و آن اندازه‌ای است که به شما نیز می‌رسد. ^{۱۴} زیرا از حد خود تجاوز نمی‌کنیم که گویا به شما نرسیده باشیم، چونکه در انجیل مسیح به شما هم رسیده‌ایم. ^{۱۵} و از اندازه خود نگذشته در محنتهای دیگران فخر نمی‌نماییم، ولی امید داریم که چون ایمان شما افزون شود، در میان شما به حسب قانون خود به غایت افزوده خواهیم شد. ^{۱۶} تا اینکه در

بار نهادم.^۹ زیرا برادرانی که از مقدونیه آمدند، رفع حاجت مرا نمودند و در هر چیز از بار نهادن بر شما خود را نگاه داشته و خواهم داشت.^{۱۰} به راستی مسیح که در من است قسم که این فخر در نواحی اخائیبه از من گرفته نخواهد شد.^{۱۱} از چه سبب؟ آیا از اینکه شما را دوست نمی دارم؟ خدا می داند!^{۱۲} اما آنچه می کنم هم خواهم کرد تا از جویندگان فرصت، فرصت را منقطع سازم تا در آنچه فخر می کنند، مثل ما نیز یافت شوند.^{۱۳} زیرا که چنین اشخاص رسولان دروغین و عملۀ مکار هستند که خویشان را به رسولان مسیح مشابه می سازند.^{۱۴} و عجب نیست، چونکه خود شیطان هم خویشان را به فرشته نور مشابه می سازد.^{۱۵} پس امر بزرگ نیست که خدام وی خویشان را به خدام عدالت مشابه سازند که عاقبت ایشان برحسب اعمالشان خواهد بود.

^{۱۶} باز می گویم، کسی مرا بی فهم نداند و آلا مرا چون بی فهمی بپذیرد تا من نیز اندکی افتخار کنم.^{۱۷} آنچه می گویم از جانب خداوند نمی گویم، بلکه از راه بی فهمی در این اعتمادی که فخر ما است.^{۱۸} چونکه بسیاری از طریق جسمانی فخر می کنند، من هم فخر می نمایم.^{۱۹} زیرا چونکه خود فهمیم هستید، بی فهمان را به خوشی متحمل می باشید.^{۲۰} زیرا متحمل می شوید هرگاه کسی شما را غلام سازد، یا کسی شما را فرو خورد، یا کسی شما را گرفتار کند، یا کسی خود را بلند سازد، یا کسی شما را بر رخسار سیلی زند.^{۲۱} از روی استحقاق می گویم که گویا ما ضعیف بوده ایم.

اما در هر چیزی که کسی جرأت دارد، از راه بی فهمی می گویم من نیز جرأت دارم.^{۲۲} آیا عبرانی هستند؟ من نیز هستم! اسرائیلی هستند؟ من نیز هستم! از نسل ابراهیم هستند؟ من نیز می باشم!^{۲۳} آیا خدام مسیح هستند؟ چون دیوانه حرف می زنم، من بیشتر هستم! در محنتها افزوتر، در تازیانه ها زیادتر، در زندانها بیشتر، در مرگها مکرر.^{۲۴} از یهودیان پنج مرتبه از چهل یک کم تازیانه خوردم.^{۲۵} سه مرتبه مرا چوب زدند؛ یک دفعه سنگسار شدم؛ سه کت شسته کشتی شدم؛ شبانه روزی در دریا به سر بردم؛^{۲۶} در سفرها بارها؛ در خطرهای نهرها؛ در خطرهای دزدان؛ در خطرهای قوم خود و در خطرهای امتها؛ در خطرهای شهر؛ در خطرهای دریابان؛ در خطرهای دریا؛ در خطرهای میان برادران کذب؛^{۲۷} در محنت و مشقت، در بی خوابیها بارها؛ در گرسنگی و تشنگی، در روزهها بارها؛ در سرما و عریانی.^{۲۸} بدون آنچه علاوه بر اینها است، آن باری که هر روزه بر من است، یعنی اندیشه برای همه کلیساها.^{۲۹} کیست ضعیف که من ضعیف نمی شوم؟ که لغزش می خورد که من نمی سوزم؟^{۳۰} اگر فخر می باید کرد از آنچه به ضعف من تعلق دارد، فخر می کنم.^{۳۱} خدا و پدر عیسی مسیح خداوند که تا به ابد متبارک است، می داند که دروغ نمی گویم.^{۳۲} در دمشق، والی حارث پادشاه، شهر دمشقیان را برای گرفتن من محافظت می نمود.^{۳۳} و مرا در زنبیلی از دریچه ای در قلعه پایین کردند و از دستهای وی رستم.

دفاع پولس به وسیله مکاشفه اش

ناچارم که فخر کنم، هر چند شایسته من نیست. اما به رؤیایا و مکاشفات خداوند می‌آیم.^۲ شخصی را در مسیح می‌شناسم، چهارده سال قبل از این. آیا در جسم؟ نمی‌دانم! و آیا بیرون از جسم؟ نمی‌دانم! خدا می‌داند. چنین شخصی که تا آسمان سوم رióده شد.^۳ و چنین شخص را می‌شناسم، خواه در جسم و خواه جدا از جسم، نمی‌دانم، خدا می‌داند،^۴ که به فردوس رióده شد و سخنان ناگفتنی شنید که انسان را جایز نیست به آنها تکلم کند.^۵ از چنین شخص فخر خواهیم کرد، اما از خود جز از ضعفهای خویش فخر نمی‌کنم.^۶ زیرا اگر بخواهم فخر بکنم، بی‌فهم نمی‌باشم چونکه راست می‌گویم. اما اجتناب می‌کنم مبادا کسی در حق من گمانی برد فوق از آنچه در من بیند یا از من شنود.

^۷ و تا آنکه از زیادتی مکاشفات زیاد سرافرازی ننمایم، خاری در جسم من داده شد، فرشته شیطان، تا مرا لطمه زند، مبادا زیاد سرافرازی نمایم.^۸ و درباره آن از خداوند سه دفعه استدعا نمودم تا از من برود.^۹ مرا گفت: «فیض من تو را کافی است، زیرا که قوت من در ضعف کامل می‌گردد.» پس به شادی بسیار از ضعفهای خود بیشتر فخر خواهم نمود تا قوت مسیح در من ساکن شود.^{۱۰} بنابراین، از ضعفها و رسوایی‌ها و احتیاجات و زحمات و تنگیاها به خاطر مسیح شادمانم، زیرا که چون ناتوانم، آنگاه توانا هستم.^{۱۱} بی‌فهم شده‌ام! شما مرا مجبور ساختید.

زیرا می‌بایست شما مرا مدح کرده باشید، از آنرو که من از بزرگترین رسولان به هیچ وجه کمتر نیستم، هر چند هیچ هستم.^{۱۲} بدرستی که علامات رسول در میان شما با کمال صبر از آیات و معجزات و قوت پدید گشت.^{۱۳} زیرا کدام چیز است که در آن از سایر کلیساهام داشتید؟ مگر اینکه من بر شما بار نهادم. این بی‌انصافی را از من ببخشید!

^{۱۴} اینک، مرتبه سوم مهتا هستم که نزد شما بیایم و بر شما بار نخواهم نهاد از آنرو که نه مال شما بلکه خود شما را طالبم، زیرا که نمی‌باید فرزندان برای والدین ذخیره کنند، بلکه والدین برای فرزندان.^{۱۵} اما من به کمال خوشی برای جانهای شما صرف می‌کنم و صرف کرده خواهم شد. و اگر شما را بیشتر محبت نمایم، آیا کمتر محبت بینم؟^{۱۶} اما باشد، من بر شما بار نهادم بلکه چون حيله گر بودم، شما را به مکر به چنگ آوردم.^{۱۷} آیا به یکی از آنانی که نزد شما فرستادم، نفع از شما بردم؟^{۱۸} به تیطس التماس نمودم و با وی برادر را فرستادم. آیا تیطس از شما نفع برد؟ مگر به یک روح و یک روش رفتار نمودیم؟

^{۱۹} آیا بعد از این مدت، گمان می‌کنید که نزد شما حجت می‌آوریم؟ به حضور خدا در مسیح سخن می‌گوییم. اما همه چیز ای عزیزان برای بنای شما است.^{۲۰} زیرا می‌ترسم که چون آیم شما را نه چنانکه می‌خواهم بیایم و شما مرا بیابید چنانکه نمی‌خواهید که مبادا نزاع و حسد و خشمها و تعصب و بهتان و سخن چینی و غرور و فتنه‌ها باشد.^{۲۱} و چون باز آیم، خدای من مرا نزد شما فروتن سازد و ماتم کنم برای

بسیاری از آنانی که پیشتر گناه کردند و از ناپاکی و زنا و فجوری که کرده بودند، توبه نمودند.

گفتار پایانی

این مرتبه سوم نزد شما می‌آیم. به گواهی دو سه شاهد، هر سخن ثابت خواهد شد. ^۲ پیش گفتم و پیش می‌گویم که گویا دفعه دوم حاضر بوده‌ام، هر چند الآن غایب هستم، آنانی را که قبل از این گناه کردند و همه دیگران را که اگر باز آیم، مدارا نخواهم نمود. ^۳ چونکه دلیل مسیح را که در من سخن می‌گوید می‌جوئید که او نزد شما ضعیف نیست بلکه در شما تواناست ^۴ زیرا هرگاه از ضعف مصلوب گشت، اما از قوت خدا زیست می‌کند. چونکه ما نیز در وی ضعیف هستیم، اما با او از قوت خدا که به سوی شما است، زیست خواهیم کرد. ^۵ خود را امتحان کنید که در ایمان هستید یا نه. خود را باز یافت کنید. آیا خود را نمی‌شناسید که عیسی مسیح در شما است اگر مردود

۱۳

نیستید؟ ^۶ اما امیدوارم که خواهید دانست که ما مردود نیستیم. ^۷ و از خدا مسألت می‌کنم که شما هیچ بدی نکنید، نه تا ظاهر شود که ما مقبول هستیم، بلکه تا شما نیکویی کرده باشید، هر چند ما گویا مردود باشیم. ^۸ زیرا که هیچ نمی‌توانیم به خلاف راستی عمل نماییم بلکه برای راستی. ^۹ و شادمانیم وقتی که ما ناتوانیم و شما توانا باشید. و نیز برای این دعا می‌کنیم که شما کامل شوید. ^{۱۰} از این جهت این را در غیاب می‌نویسم تا هنگامی که حاضر شوم، سختی نکنم به حسب آن قدرتی که خداوند برای بنا نه برای خرابی به من داده است.

^{۱۱} خلاصه ای برادران شاد باشید؛ کامل شوید؛ تسلی پذیرید؛ یک رای و با صلح بوده باشید و خدای محبت و صلح با شما خواهد بود. ^{۱۲} یکدیگر را به بوسه مقدّسانه تحیت نمایید. ^{۱۳} جمیع مقدّسان به شما سلام می‌رسانند. ^{۱۴} فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شرکت روح القدس با جمیع شما باد. آمین.